

ست پستیقا و نموده بود با وجود آن از آنجا که شمول عنایت پادشاهی است لکن می از ولایت را در از زاده خود گنا

عمدی که با او که از زنده و این خیال را در اس

تست قدم باشد تا در پ او نموده کلان را

رئیس می ان ولایت نمکن بسیار بفرستد

بطور رسید و بود افواج قاهره نهضت نموده بولایت گران در آمد آدم همچنان سر جهل ایستاده در تمام معما

عساکر اقبال شد و در حال بصره

عظیم پیوست و خاکه مات و

عادت در دست طلعه بجان مکاران

قابل وجدان است داد امان از آنجا که تایید است ازل قریب بویک اولیای دولت ابر پیوند است مشغول بصره

بنام زنگ نژادی هم که نظام کر

دان و حتی زادن بسایر می

میزبست می کرد و با اقبال شایسته

مهی که طراز فتوحات عظمه تواند بود روی داد سلطان آدم بدست نبر بران عساکر و اولادت بگیرند و سکری

بیمانی که با پادشاهان کم فرست

بجهت کار از فرست گشت مکان در درازا

از فتنی در این امر فرست آوردند

و تمامی ولایت گران که سبکی از فرمان روایان هندوستان تسخیر نموده بود و بهمت والای قبلی از اولیای دولت قاهره مسخر شد و بوجوب منشور اقبال که تبارکی رسید بود اهرای عظام تمامی ولایت گران از اقبال

داود اور در قنای ولایت با سپهسالار ستمگر باختمند



سپهسالار

۲۸۳

دو صومعه

سنگ را در راه و در میان و در کوه و در کوه و در کوه و در کوه

۲۷۱

سورداش

۹۱